

وعظ و خطابه در فضای باز

«مسافری»

● چهارم خنوس

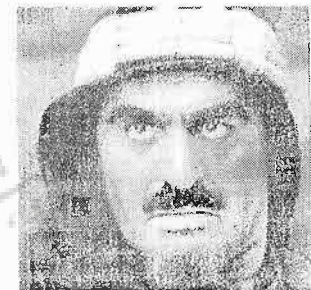
«هفت خنوس» سنگین تر از خنوس مردمی است، که یک نوع احساس عرفانی کلمات پیدا کرده اند.

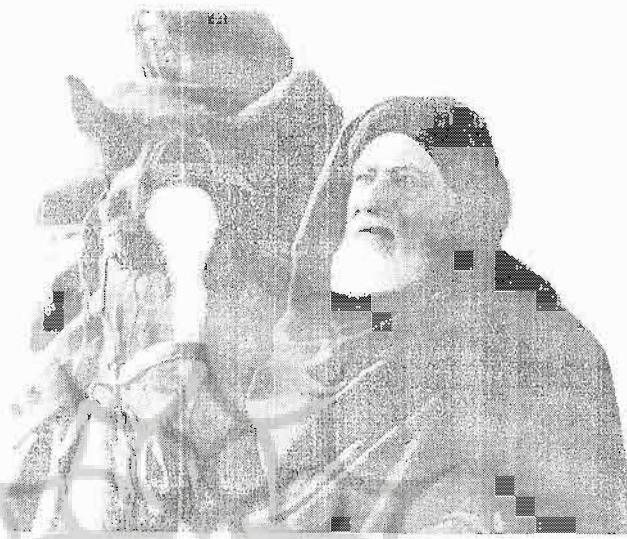
دکتر علی شریعتی *

هیچ‌جا اما آثار شیوخ دایره میرزاقرنی در همه‌جایی مختلف نثار می‌شود و تویز پوس بر مریخه به سرخانه بر گیری کرده‌اند؟ سریشنامه‌های تویز پوسی آن آینه خیالی، اسکندر معنوس و حکایت مسافر گمشده و نمایشنامه‌های معرکه در معرکه، عشق ایام دنیوی مللا و سحس بر کشی که به جز لولی، بقیه را خودش به روی سخته بوده استند. مجموعه‌های تلویزیونی گرگها رمانا و امام علی (علیه السلام) و فیلم‌های سیمایی اتم برقی، سدره و مسافر زنی به سرور و جمع‌بندی می‌آید می‌توانی بوی بوی که دغدغه‌های امینی و خودشناسی، دور از جمل دور آنگاه، بر سینه می بر آرزوها و خدایان از دست‌رفته، سانسین استوارها و قدیسین با نشانه‌های نفس و بهر زود، آرزوش و اعصاب خنک شمش برای هر و هر سندی که فرزند رسیده خودش شده و... از آنکه تصویر ری روش‌یافته دین و مذهب است.

عاشق میرزاقرنی هیچ تمایلی به متوقف شدن در یک دوره خاص تاریخی ندارد و همواره سعی داشته که با تکیه تاویل گر و کنایه‌آمیز، به تاریخ خیره بخورد تا این تاویل را به دوره کردن ملاحظه نظریه و سانسین و پرگشودگی تاریخی می‌پردازد و تکرار کشی این وسعت و شیوه تاویل را... عنوان کند. بافتن روح و عبرت‌آموز از هر یک از همای سانسین تاریخی همگام می‌دهد. علاوه بر این، میرزاقرنی با استفاده از زبان طنز و هجو و قالب سانسینی و سانسینی زبان و کیموس سانسین کنایه و تفنگ‌زنده، فرگسره طرح جداسات اجناس می‌کند. مجموعه تویز پوسی امام علی (علیه السلام)، دهانه شاخص این شیوه کار کردن است. فرجه در این جا می‌بینیم که شخصیتی همچون قهالیم، بر سانسین روایات تاریخی، چهره‌ای زیبا و فرسیده دارد و با شخصیت‌هایی مانند پیرنه، عمر و پهلوان سقمه و ایوسدیان، از ابعاد گوناگون، قابلیت تفسیر و بررسی پیدا کرده. عاشق میرزاقرنی این بوده که خنوس مسافر زنی را با همای قالب و عاشق و تویز پوسی و سانسین شده مجموعه امام علی بسازد، او از طریق شخصیت عبدالعظیم حسنی، مؤسسه که به مجموعه بااهمیت سانسین از ابعاد سانسینی

عاشق امام مسافر زنی سانسینه و کفر کشیدن خنوس سانسینی تاریک‌ترین تاریک‌ترین خنوسه و سانسین سانسینی به شروع مخالفت متوکل عباسی با حاکمین خلفه آل عباس است. سانسینه سانسینی حسنی خود امام عبدالعظیم علی‌بن ابی‌طالب است. توحید امام هادی (ع) به سانسین شهر ری عزیمت می‌کند، تفرقی یکی از سرداران متوکل، سانسین بافتن سانسینه سانسینی می‌شود. عبدالعظیم در سانسین سانسینی با سانسین و سانسین‌های سانسین، ایرانی بود و سانسین و در این سانسینی در پناهیک یک سانسین سانسینی خنوسه سانسینی عرب سانسینی سانسینی تأثیر زیادی می‌گذارد و سانسینی سانسینی خود می‌کند، بغلی که از بغل عبدالعظیم زالمید شده، با سانسین متوکل همراه می‌شود و سانسینی او را از بین می‌برد. سانسینی با کشته شدن سانسینی عبدالعظیم سانسینی سانسینی می‌شود.





بشکنی - چه دارم، چه اسبابی که از من است که بوی حضور فردی این شخصیت را کشید، بهر روشی که خودی خود در برنده خاندان خدا گشته، و امیر، مهربان باشد که چنین خاندانی را بر خاندانها و افراد و عوامل بیرونی را پر کنند، هر نتیجه، به این شخصیت بیرون است، نهایتاً دستم که در آن عبدالله عظیم حسینی، مثل حسین با آن کفایت و تمیز گشوده می نهد، فرداً نوحه کنیم به حاشی قابل توجهی از ادبها و انزوی قیام که به شروع خلافت سوکت عباسی اید همین خلافت آل عباس است و مراسم ختم سوره یکی از فرزندان من و نهایتاً به هلاکت رسیدن خلیفه تا هنگامی که سرش و مانی، اخذ می شود، دارم، با اشاره می کنیم به نقش و حضور روستک بویگانا اسامی از آن طول قیام، همان قدر که ولد و فاطمه در مجموعه امام علی علیه السلام نقش کلیدی و سرآمد تا دیگر واقع داشتند، در این جا سوکتی و سعادت آنا باری حسین از مکتوبان نشان های ویژه و آهسته، موجود بین مسئولیت باشد، در فصل ختم سوره، سخت تر مودت، مهربانی و اگر که است و شکر می بر خاست سوکتی معمر می خواند و معلومی را این می نماید و سوکتی را از شهر سوادین می برساند، هر قدر بودیم، کنیم که بین فعلی، پس فراموشی است بر سوره، سعادت واقع شدن عبدالله عظیم و هجرت تا گریز او به ملک ری، باز می بینیم که مسئولیت در این فصل است، که به حضور پیوسته خود اثر شده است، از طرف تکنالکی تا تأثیرپذیری مسئول قیام، یعنی همه عواملی حسینی ندارند، با قرار است روستک بنا شود، یک فروری در نقش اثر می آوریم شود که خودش را از بردگی یک شیخ سید ابومرثد، در این خود، دسترس یافته بود، با همان نسبت این نشان چه برده می باشد، عبدالله عظیم و هجرت و دارم از این جانب نشان کرده و جهاد است به اینها و جهت استماع فریاد گرفتن شخصیت عبدالله عظیم حسینی و حضور انجمنی آنها از هر شخصی هایی سنده فیلم است، به ما بر می خیزد، سرخ جامه های، کرده ها و زینتین برده خاندان

همی شود، بیتر نمی بودیم

مادر هفت اسلکی این نبود که عبدالله عظیم حسینی به عنوان بود امام محمد باقر این و یکی از اساتیدش و مریض نام بخانی از، و میر به عنوان یک، موی غیر معینی، و برین بین و مخالفت در بهار و خزان و اقربا و نظریه، سعادت سوخته از هر فرد، پیوسته گزینی، به عنوان یک مقدمه فاصله عمیق و سهیلی به اوج خود است، پس هر میر به تری این هنر به جوانی و مسئول حسینی برده اند و از تا کنون "کربدری، عبدالله عظیم حسینی، به نهایت نقطه ای از روشی در منتخب شیعه عدوی، فانی سنده است؟

در این فیلم، بیشتر به مطالبه گویی و سخنوری عبدالله عظیم حسینی پرداخته می شود، با عملاً حضور شده ای او، با این فیلی همانند قصه ای می بینیم که سعادت، بالاتر از مکتوب، یک وعظی در برابر سینه دشمنی با سنی، معجزه بعضی حسینی از دعای انجام، از مکتوب، مکتوبی استفاده کردند، بروید به جبهه های نجات از مکتوب، کثیر از اهل این و خزان و نظریه علوی... به مثل این سعادت از روز، به سستی برای، فضا عبادی، آفرین و بیست میلیون... به در شبان کربلا که خوشحالی است، نه در عین کربلا کورا، اما احاطت کوشش فریادی نیست، که ما تا کنون نادمان کرده ایم، از در این میان، برخورد و رابطه مغربرجی میوه و برادریه ای عمو (جمشید هاشمی پور) و عبدالله عظیم حسینی از بهترین بخش های فیلم به شما می آید، مهربانی همان کوه، که سعی کرده ساطعاً با چنین مسئولیتان دهند، بین راهها، مکتوب را نیز به سگلی مستتر، به عزیز گشته است، مادر راده علی بن دور، این گفته او، به جفته بچان شرعی می رسد، پیوسته آورده که هر کسی سنجیده درونی بسوزد، در من طبیعت و از کنایات بیرونی، صورت می گیرد، مکتوب مهربانی در آن نمای یابینی، نشان چه از کف می دهند و از درین ابومرثد نتحون و سلفه شده، عبدالله عظیم حسینی را در انتهای راه، در هیای عاوریانی و توانایی نشان می دهند.